

# خوانش نادرست گزارشگران



**قرار بر این نیست که گزارشگر به پرونده و شناسنامه بازیکنان، تیم ها و مالک باشگاه و ... استناد کرده و بر این اساس به اظهار نظر درباره نتیجه و عملکرد تیم در بازی و این که فلان تیم حق پیروزی دارد را مورد بررسی قرار دهد**

حریف بررسی شده تا ببینیم کدام بازیکن از پدر یا مادری غیر قطری است (مسئله ای که در دنیا هم وجود دارد و برای مثال لوئیس اندریون دسوزا ملقب به دکو بازیکن برزیلی تیم ملی پرتغال بود که در بارسلونا هم بازی می کرد و کسی هم مشکلی با این موضوع نداشت و نمونه های دیگری مانند دیگو کاستا بازیکن چلسی و ... وجود دارند که حساسیتی را هم ایجاد نمی کنند) و یا تابعیت آن کشور را پذیرفته و همین را محور اصلی قرار داده و اگر باختیم چون آن تیم چند ملیتی بوده باخته ایم و اگر بردیم موفقیتمان چند برابر بوده چرا که یک تیم چند ملیتی را برده ایم. نکته ای در اینجا نهفته است و آن تفاوت تیم ملی با ملیت در کشورهاست. یقینا مقایسه کشور ۸۰ میلیونی ایران با کشوری دو الی سه میلیونی قطر یا دیگر کشورهای منطقه خلیج فارس امکان پذیر نیست. جزیره ای کوچک در خلیج فارس مطمئنا نمی تواند عملکرد مناسب جهت یارگیری را در مقایسه با ایران داشته باشد. البته مسئله جمعیت ارتباطی هم به عملکرد در مسابقه فوتبال ندارد چرا که اگر بر حساب جمعیت بود، بالطبع تا کنون تیم های چین و هند می بایست بهترین عملکردها را می داشتند اما در اینجا بحث عملکرد تیم های ملی و ملیت بازیکنانشان را مسکوت می گذاریم و به مسئله باشگاه ها می پردازیم.

باشگاه های فوتبال در دنیا جهت مسائل مالی، آزادی عمل در انتخاب مالک، سرمربی و بازیکنان خود دارند. مالک باشگاه منجستریک آمریکایی یا مالک باشگاه سیتی یکی از شیوخ عربی و باشگاه چلسی یک سرمایه دار روسی و ... از مصادیق چند ملیتی بودن تیم های مطرح دنیا هستند که بحث سرمربی و بازیکن هم جای خود دارد. البته فدراسیون فوتبال ما از این قاعده مستثنی است؛ زمانی استفاده از دروازه بان خارجی را محدود می کردند یا در استفاده از بازیکن خارجی دستشان بسته بود و حداکثر سه بازیکن می توانست هم زمان در میدان باشد و ...

در تیم های ایرانی جذب بازیکن خارجی هم ساز و کار خاص خودش را دارد. به جز چند بازیکن معدود با کیفیتی مانند عماد رضا، جانواریو و عیسی تراوره و چند نفر دیگر باقی بازیکنان در خشش و عملکرد مطلوبی را نداشتند و باقی از بازیکنان کم فروغ کشورهای دیگر بودند که به ایران آمدند و در آخر با شکایت از فیفا پولشان را دریافت کرده و رفته اند. در سال های اخیر به یاد نداریم بازیکن خارجی از ایران رفته باشد و بدون شکایت در فیفا پولش را گرفته باشد و این هم خطری است که در آینده به اعتبار باشگاه های ما در دنیا لطمه خواهد زد زیرا سابقه خوبی در دنیا جهت پرداخت حق و حقوق بازیکنان و مربیان

این روزها که زمان استراحت تیم های باشگاهی است و به جز چند مسابقه دوستانه ملی تب و تاب در فوتبال دیده نمی شود خوب است تا با نگاهی به این ورزش جذاب، به یک سری مسائل پیرامون آن بپردازیم. ورزش به تناسب قدرت و اهمیتش در عصر ما، برنامه های مختلفی را در جهت پوشش بهتر مسابقات پدید آورده و در همین راستا فوتبال نیز بیشترین آمار برنامه های ورزشی را به خود اختصاص داده است. ماهیت این برنامه ها بدین گونه است که با توجه به میزان حساسیت، از ساعت ها یا دقایقی پیش از مسابقه به تحلیل و بررسی تیم ها و بازیکنان تا حواشی و مسائل بیرون زمین می پردازند. این برنامه ها سوای گزارش بازی، در بین دو نیمه و همچنین در پایان بازی نیز ادامه پیدا می کرد. اما ماهیت گزارش متفاوت از اجرای برنامه ها است؛ چرا که گزارشگر کسی نیست که بخواهد پارادایمی به ذهن مخاطب بدهد و این نکته ای است که گزارشگران ما نادیده می گیرند و بعضا می بینیم که تعدادی از آنها به جای مالکان باشگاه، سرمربی، بازیکن و گاهی هم در قامت کارشناس و ... ظاهر می شوند. این موارد عاملی است تا خوانش نادرستی در ذهن بینندگان شکل گیرد.

در حال حاضر ما با پدیده ای به نام «خوانش نادرست گزارشگران» مواجه ایم، رویکردی که ذهن مخاطبان را نسبت به تیم های عربی مخدوش می کند (البته با توجه به اتفاقات اخیر در منطقه احتمالا دیگر تیم های قطری از این قاعده مستثنی هستند). کسی که کار گزارش بازی را بر عهده دارد، از رسالتی برخوردار است. گزارشگر مانند خبرنگار واقعه یا رویدادی را بیان می کند و از دخل و تصرف شخصی در آن پرهیز می نماید.

قرار بر این نیست که گزارشگر به پرونده و شناسنامه بازیکنان، تیم ها و مالک باشگاه و ... استناد کرده و بر این اساس به اظهار نظر درباره نتیجه و عملکرد تیم در بازی و این که فلان تیم حق پیروزی دارد را مورد بررسی قرار دهد. البته یک سری اطلاعات جانبی و پرداختن به حواشی فوتبال مطمئنا به جذابیت گزارش می افزاید. بیشتر مردم با اینکه ممکن است هرگز بازیکنان یا بازیگران محبوب خود را از نزدیک نبینند اما همیشه به اطلاعات خصوصی و شخصی آنان علاقه نشان می دهند. اما اینکه ما بر روی تغییر ملیت بازیکنان دست بگذاریم و این را مبنای قضاوتمان قرار دهیم به نوعی پا را فراتر از حیطه اختیارات نهادیم.

اصلی ترین موضوع در این خوانش نادرست مسئله هویت بازیکنان کشورهای عربی است که بیشترین زمان این برنامه ها و گزارش ها را به خود اختصاص داده است. از پیش از بازی کارنامه خانوادگی بازیکنان

خارجی نداریم. و محرومیت پرسپولیس مصداق بارز آن می باشد. جام ها و مسابقات مهم در فوتبال را عوامل متعددی رقم می زنند، از سرمربی، تاکتیک، کار تیمی، تجربه، ستاره و ... گرفته تا بازیکنان که نقش مهمی در گرفتن جام و تعیین سرنوشت بازی های حساس دارند. هر بازی هم از جام حذفی گرفته تا لیگ و ... رویکرد مطلوب خود را اقتضا می کند. درست است که بازیکنی مانند عمر عبدالرحمن در تیمش مهره کلیدی محسوب شده و این تیم می تواند عملکرد خوبی در آسیا داشته باشد اما باید این نکته را هم لحاظ کنیم که همین تیم در لیگ فصل قبل امارات موفقیتی نداشته و حتی مجوز حضور در فصل آتی جام باشگاه آسیا را کسب نمی کرد اگر چند تیم عربستانی کنار گذاشته نمی شدند. اما مدام در این برنامه ها گفته می شد که تیمی که هزینه های بسیاری انجام می دهد یا در مرحله گروهی همین مسابقات گفته می شد که خط آتش فلان تیم عربی هزینه اش برابر با هزینه یک فصل فلان تیم ایرانی است. فوتبال ایران که سابقه و قدمت خوبی هم نسبت به تیم های کشورهای عربی دارد و همچنین مردمی که فوتبال را درک می کنند چرا نتوانسته جذب سرمایه را در فوتبال خود به کار بندند. اگر آنان می توانستند عملکرد خوبی را در جذب بازیکن داشته باشد عیب آنهاست؟ اینکه آنان می توانند حتی بازیکن خارجی را به ملیت کشورشان در آورند کار بدی است اما بد عهدی های در پرداخت حقوق بازیکنان و خرید بازیکنان دسته دو و سه خارجی اشکالی ندارد. گویا فراموش کردند که تیم ایران در زمان سرمربیگری کی روش چندین و چند بازیکنی که دو ملیتی بودند استفاده شده است. به نظر می رسد زمان آن رسیده که گزارشگران و مجری های این قبیل برنامه ها نگاه عادلانه تری به این مسائل داشته باشند. گزارشگر و مجری یا کارشناس هر یک وظیفه خاصی را در دنیای فعلی دارد و می بایست به حیطه کاری خود بپردازد. پیش از شروع بازی برگشت تیم های پاری سن ژرمن و بارسلونا در فصل پیشین رقابت های جام باشگاه های اروپا یکی از همین مجریان صراحتا آرزوی پیروزی تیم بارسلونا را داشت زیرا معتقد بود که پول باشگاه پاریسی پول خوبی نیست و در قامت مسئولان فیفا حاضر شد. اکنون فدراسیون چین هم گران ترین نقل و انتقالات را به لیگ خود انجام می دهد و از اسکار برزیلی، توز آرژانتینی گرفته تا هالک و ... را خریده و این نشان می دهد که تیم های شرق آسیا نیز نگاه تازه ای به فوتبال پیدا کرده اند و از بحث ملیت، حداقل در باشگاه ها خارج شده اند و این رویکرد را در جهت بهتر شدن کیفیت لیگ شان به کار می برند؛ چرا که همین کار اسپانسر ها و میادین مالی جدیدی را برای آن کشورها ایجاد می کند که بقینا با برنامه ریزی صحیح به ثمر خواهند رساند.

فوتبال از زمانی که به عنوان یک صنعت در دنیا معرفی شده، رویکرد و پارادایم جدیدی را به خود گرفته و نقش هر شخص در تیم، از مدیریت و بازیکن و ... تا عوامل بیرونی تیم ها مشخص شده است. گزارشگران نیز از این قاعده مستثنی نیستند. قرائت بازی با ایجاد ذهنیت هم خوانی ندارد. بازی در زمان مشخصی برگزار می شود و مخاطب و گزارشگر هم زمان آن را می بینند. گزارشگر هر کاری جز قرائت بازی را انجام دهد، از حیطه خود خارج می شود. از پیش بینی تا تخریب چهره تیم ها هر کدام به ارائه خوانش نادرست دامن می زند. چهره ای که اکنون به بینندگان فوتبال ما نشان داده می شود یقینا ما را از تیم ها و کشورهای عربی دور می کند و این اصل قاعده ورزش را نیز زیر سوال می برد. از جمله ویژگی های ورزش بین المللی ایجاد دوستی و ارتباط میان کشورهاست و این خوانش های نادرست که سهوا یا عمدا از سوی برخی مشاهده می شود یقینا موجب دور شدن و حتی جدا شدن موقعیت های اجتماعی و فرهنگی میان ملت ها شده و

در آینده تنها در ورزش نمی ماند و به سایر حیطه ها نیز تسری پیدا خواهد کرد. اکنون زمانی است که تا دیر نشده بیاییم خوانش جدیدی از فوتبال ارائه کنیم و همه در کنار هم از پخش مسابقه فوتبال یا هر رشته دیگر ورزشی لذت ببریم. تیممان را تشویق، و به تیم حریف احترام بگذاریم.

